

تأثیر انقلاب مشروطه بر نخستین نشریات کودک و نوجوان آن دوران

آسیه ذبیح نیا عمران^۱

علی نجفی^۲

چکیده

همزمان با آغاز انتشار روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی، سرپرستان و سردبیران این نشریات برای افزایش مخاطبان خود به جلب خوانندگان نوجوان پرداختند و کوشیدند به بخشی از نیازهای آنان پاسخ گویند، زیرا در میان این گروه سنی از یک سو میزان سوادآموزی رو به گسترش بود و از سوی دیگر شوق بیشتری به دانستن و آگاه شدن وجود داشت. از این رو نشریاتی مانند تربیت، ادب، شکوفه و زبان زنان با آوردن مقاله‌های گوناگون درباره‌ی آموزشگاه‌های نو و دانستنی‌های عمومی و علمی دانش‌آموزان را به خواندن روزنامه تشویق می‌کردند. در پایان این دوره، با گسترش مطبوعات و توجه روزافزون روزنامه‌نگاران به نسل نوجوان، در فاصله‌ی بین سال‌های ۱۲۹۶-۱۲۹۹ ش، چهار مجله‌ی ویژه نوجوانان و چند نشریه‌ی ویژه کودکان منتشر شد که موضوع آن‌ها، بازتاب روشن‌خواهی و علم‌گرایی در میان نسل کودک و نوجوان آن دوره است. بیشتر مطالب این نشریات در زمینه‌های علمی و دانش‌همگانی نوشته شده‌اند. بخشی از ستون‌های این نشریات به مقاله‌های بهداشتی اختصاص داده شده است. «ادبیات» در این میان جای اندکی داشت. از میان این چهار نشریه، تنها مجله «الادب» رویکرد جدی به ادبیات داشته است. سه نشریه‌ی دیگر تنها چند شعر از شاعران گذشته‌ی ایران و یا مقاله‌های کوتاه ادبی به سبک کهن، چاپ کردند. نسبت به شناساندن ادبیات نو آن دوره و گسترش آن در میان نسل کودک و نوجوان بی‌توجه بودند. هدف اصلی از بررسی این چهار نشریه، یافتن نخستین نشانه‌های ادبیات روزنامه‌ای در میان نشریات گروه سنی کودک و نوجوان است. از این رو در هر نشریه به میزان مطالب ادبی، موضوع‌ها و گونه‌های آن و شکل طرح ادبیات برای مخاطبان، توجه شده است.

واژگان کلیدی: عصر مشروطه، صنعت چاپ، نشریه‌ی کودکان و نوجوانان.

^۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

^۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان همدان

مقدمه

در دوره‌ی مشروطیت، دگرگونی‌های ژرفی در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران پدید آمد و از این زمان، اندک اندک ساختار بسته‌ی زمین داری ایران به جامعه‌ای باز که به سرمایه‌داری گرایش داشت، تبدیل شد. (محمدی، قایینی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۱۵۹) جامعه به دو بخش تقسیم شد. نیروهای سنت‌گرا که از ساز و کار روابط کهنه اجتماعی و سیاسی پشتیبانی می‌کردند و نیروهای تجددگرا که خواستار دگرگونی در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بودند، در برابر هم ایستادند. برآیند این تضادها به انقلاب مشروطیت انجامید. (بهنام، ۱۳۷۵، ۳۸-۳۹) سامانه‌ی نو اجتماعی و فرهنگی ایران، به دانش جدید و کارشناس نیاز داشت. نیازهای همگانی به آگاهی و دانش روز، آزادی‌های فردی و اجتماعی، باعث شد که در این دوره، نوگرایان به آشنایی کودکان و نوجوانان با دانش‌های روز توجه کنند، زیرا بر این باور بودند که برای اداره‌ی جامعه‌ی آینده به نسلی کارآمد نیاز است. (محمدی، قایینی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۱۶۰) صنعت چاپ برای نخستین بار در دوره صفوی به ایران آورده شد، اما به سبب ساخت بسته‌ی جامعه و پایبندی به روش‌های سنتی تولید کتاب، در آن زمان پا نگرفت. بدین سان، ادبیات در انحصار گروه‌های فرادست ماند و ایران همچنان در انزوای فکری و ذهنی ننگه داشته‌شد. ۲۰۰ سال بعد، در دوره ولیعهدی عباس میرزا صنعت چاپ دوباره به ایران آمد و چندان به درازا نکشید که فراگیر شد. با رونق گرفتن این صنعت، دوران دگرگونی‌های فرهنگی در ایران آغاز شد و به نشر گسترده آثار سنتی در دوره‌های بعدی، انتشار ترجمه‌هایی از فرهنگ و ادب اروپا و چاپ کتاب‌های درسی برای آموزشگاه‌های نو بنیاد انجامید. (بالایی، ۱۳۷۷، ۱۶)

پیدایش صنعت چاپ در ایران، سبب انتشار گسترده‌ی کتاب و مطبوعات شد، پیش از این، کتاب تنها ویژه کسانی بود که قدرت خرید نسخه‌های خطی را داشتند، اما با آمدن دستگاه چاپ به ایران، کتاب به شکلی گسترده و با بهایی ارزان منتشر شد. (محمدی، قایینی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۱۶۱)

همزمان با بنیادگذاری نخستین چاپخانه‌های سنگی در ایران، نخستین روزنامه‌ی کشور در سال ۱۲۵۳ ق. / ۱۲۱۶ ش. به سرپرستی میرزا صالح شیرازی، با عنوان «اخبار» یا «کاغذ اخبار» انتشار یافت. (آرین پور، ۱۳۷۲، ۲۳۶) این روزنامه در زمان محمدشاه به دستور حاجی میرزا آغاسی بسته شد. البته پیش از کاغذ اخبار، نشریه‌های فارسی زبان مانند اخبار ایرانی، روزنامه هندوستانی و جام جهان‌نما در هندوستان منتشر می‌شدند. (قاسمی، ۱۳۷۲، ۱۱) پس از انتشار روزنامه «وقایع اتفاقیه» به سرپرستی امیرکبیر در سال سوم پادشاهی ناصرالدین شاه (آرین پور،

۱۳۷۲، ۲۳۷)، زنجیره‌ای از نشریه‌ها در درون و بیرون ایران منتشر شدند. روزنامه‌های بیرون از ایران با چاپ نوشته‌های آزادی خواهان، تأثیر در بیداری و انگیزش مردم داشتند. اختر، قانون، حکمت، ثریا، پرورش و حبل‌المتین از روزنامه‌های بیرون مرزی بودند. همچنین در این دوره، روزنامه‌هایی چون شرافت، تربیت، الحدید و معارف که پیوسته درباره‌ی آموزش و پرورش و وضع بهداشتی کودکان مطالبی داشتند، منتشر شدند.

زبان ساده و خبری این مطبوعات، سامانه‌ی ادبی به ویژه نثر را از بیخ و بن دگرگون ساخت و نثر داستانی را به زبان ساده و روزمره نزدیک کرد. نیاز نشریه‌ها به داستان و شعر سبب شد که گونه‌ی داستان‌هایی با ساختارهای کوتاه و شعرهایی با درونمایه‌ی اجتماعی و سیاسی، به کار گرفته شود. سادگی پیام و زبان مطبوعات، زمینه ساز پیدایش ادبیات نو کودکان و نوجوانان شد.

بنیادگذاری آموزشگاه‌های نو و شکل‌گیری مفهوم آموزش ابتدایی در ایران پس از انقلاب مشروطه، با بهبود نسبی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و افزایش جمعیت شهرنشین، کودکان قشر متوسط جامعه اندک اندک از صف نیروی کار ارزان بیرون آمدند و به آموزشگاه‌های نو رفتند. با تصویب اصل نوزدهم متمم قانون اساسی، نظارت بر سامانه‌ی آموزشی برعهده‌ی دولت قرار گرفت و اداره‌ی آن به یک سازمان متمرکز یعنی وزارت علوم واگذار شد (طاهر احمدی، ۱۳۷۸، ۳۱) نخستین آموزشگاه رسمی ایران، مدرسه دارالفنون بود که دانش‌آموزان آن در پایه دانشگاهی دانش می‌آموختند. این آموزشگاه که بعدها به پایه دبیرستان تنزل یافت، تا سالیان دراز تنها مدرسه متوسطه کشور بود. با این همه، هنوز مدرسه‌های نو هماهنگ با توده دانش‌آموزان افزایش نیافتند و بیشتر کودکان همچنان به مکتب‌خانه می‌رفتند. یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش ادبیات نو کودکان در ایران، دگرگونی در زبان ادبی دوره‌ی مشروطه است. ادبیات مشروطه، زبان شفاهی و ادبیات سنتی کودکان ایران را به زبان امروزی پیوند داد. پیدایش شیوه‌های نو در آموزش و پرورش و انتشار آثار آموزشی نیز به پدیداری و فراگیری این زبان یاری رساند.

در شکل‌گیری و پیدایش نثر ساده‌ی فارسی در ادبیات داستانی نو کودکان، گروهی از نویسندگان نقش داشته‌اند. زین‌العابدین مراغه‌ای، عبدالرحیم طالبوف میرزا آقاخان کرمانی، میرزا یحیی دولت‌آبادی، محمودخان مفتاح‌الملک، آقا شیخ محمدعلی طهرانی و بعدها دهخدا و جمالزاده با آفرینش آثار ادبی، در این مسیر تأثیرگذار بوده‌اند.

دوره مشروطه در گستره‌ی تاریخ ایران اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا نوید بخش آغاز عصری جدید در تاریخ حیات سیاسی و اجتماعی ملت ایران بود و سومین کلان فرهنگ پس از دوران ایران باستان و دوران اسلامی، در این روزگار شکل گرفته‌است. انقلاب مشروطه، پیامد تأثیرپذیری فرهنگ شرق از فرهنگ و اندیشه‌های غربی در سده‌ی نوزدهم و آغاز سده‌ی بیستم است که همچون زنجیره‌ای از ژاپن تا ترکیه‌ی عثمانی را دربر گرفت. با ورود این کلان فرهنگ نو، فرهنگ ایرانی سرگذشت پیچیده‌تری یافت. پیش از این، دو فرهنگ ایران باستان و اسلامی با یکدیگر داد و ستد داشتند، اما اکنون فرهنگی نو، توانا و تازه نفس با این دو درگیر شده‌بود. طرح دگرگونی الفبای فارسی از سوی روشنفکران و فرهیختگان در دوره‌ی مشروطه و پافشاری بر کاربرد فارسی پیراسته، برآیندی از برخورد دو فرهنگ ایرانی و اسلامی بود.

از پایان دوره صفوی تا آغاز دوران قاجار، دگرگونی چشم‌گیری که در بالندگی ادبیات به ویژه ادبیات کودکان آن دوران تأثیر به سزا داشته‌باشد، رخ نداد. زیرا در دوران افشاریان و زندیان با ایستایی فرهنگی رو به رو بودیم. اولین حرکت را امیرکبیر انجام داد. او با بهسازی‌هایی که در نهاد دولت و همچنین فرهنگ و آموزش و پرورش انجام داد، پایه‌های دگرگونی در ساخت خودکامگی را پدید آورد. گشایش دارالفنون را می‌توان آغاز دوره‌ی آشنایی ایرانیان با دانش و فن غرب و اندیشه‌ی تجدد دانست. افسوس به هنگام به بار نشستن این تلاش‌ها، امیرکبیر، قربانی خشم و کین خودکامگان دربار و استعمار انگلیس و روسیه تزاری شد. اما دیگرانی چون سپهسالار که دنیای جدید را می‌شناختند آمدند و راه او را با همه‌ی دشواری‌ها پی گرفتند. (محمدی، قایینی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۲-۶)

استقرار مشروطیت، چنان تأثیری بر ادبیات فارسی داشته است که امروزه در تقسیم‌بندی دوره‌های ادبی، دوره‌ای مستقل تحت عنوان «ادبیات مشروطه» قابل تشخیص، مطالعه و بررسی است. پیروزی مشروطه حادثه‌ای بسیار مهم محسوب می‌شود. این دگرگونی، ناگهانی و به یکبار اتفاق نیفتاد بلکه معلول یکسری عوامل بود که می‌توان بطور خلاصه آن‌ها را در پنج گروه دسته‌بندی نمود:

۲. ۱. تأسیس چاپخانه

۲. ۲. مطبوعات

۲. ۳. اعزام محصلین به خارج

۲. ۴. تأسیس دارالفنون و دیگر مدارس جدید

۲. ۵. روشنفکران (رحیمیان، ۱۳۸۵، ۱۶-۱۹)

جایگاه کودک و نوجوان در عصر مشروطه

در ابتدای دوران قاجار، جامعه‌ی شهرنشین، پشت حصارهای بلند سنت گرفتار بود و دادوستد رونق کمی داشت. به دگرگونی زندگی مردم و به ویژه کودکان امیدی نبود و زندگی کودکان ایرانی، روال یکنواختی داشت.

پس از انقلاب مشروطیت، با گسترش بافت شهری و پیدایش طبقه‌ی متوسط شهرنشین که بیشتر به کارهای بازرگانی و خدمات فنی و تولیدی می‌پرداختند، زندگی شماری از کودکان تا اندازه‌ای دگرگون شد. از دیگر عوامل مؤثر در دگرگونی زندگی کودک ایرانی، رفت و آمد گسترده‌ی ایرانیان به "قفقاز" و فراتر از آن بود. که آنان را به شکل‌های پیشرفته‌تر زندگی آشنا می‌ساخت. (محمدی، قایینی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۱۶)

فرهنگ مکتب‌خانه‌ای که پیشینه‌ی آن به آغاز دوران اسلامی می‌رسد تا پایان عصر قاجار پابرجا ماند. سنت‌های خشن و نادرست مکتب‌خانه‌ای، بیانگر نگرش پرورشی جامعه آن دوران به کودک بود.

مکتب‌خانه‌های ایران در دوران قاجار، سه گونه بودند: مکتب‌خانه‌ی آخوند باجی، مکتب‌خانه‌ی عمومی و مکتب‌خانه‌ی خصوصی، در گونه نخست، مکتب‌دار، زنی عاقله بود که آخوندباجی، میرزاباجی، ملاباجی یا شاه‌باجی خوانده می‌شد. او به کودکان چهار تا هفت ساله، سوره‌های کوتاه قرآن، اخلاقیات، شریعت و الفبا می‌آموخت. روش آموزش، شفاهی و ورود برای همگان آزاد بود. دانش‌آموزان پس از این دوره، وارد مکتب‌خانه‌های عمومی می‌شدند. البته آموزش در مکتب‌خانه‌ی آخوندباجی اجباری نبود و کودکان می‌توانستند آموزش الفبا را از مکتب‌های عمومی آغاز کنند. بزرگان و فرادستان، فرزندان خود را با مکتب‌خانه‌های خصوصی می‌فرستادند، چون بر این باور بودند که فرودستان، خلق و خوی کودکانشان را خراب می‌کنند. بسیاری از فرادستان نیز فرزندان‌شان را به آموزگار سرخانه می‌سپردند. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ۴۴) مکتب‌خانه‌ها کتاب‌های درسی یکسانی نداشتند، بلکه مکتب‌داران به پسند خود کتاب‌هایی را برای آموزش برمی‌گزیدند. مکتب‌داران پس از آموزش الفبا به روش‌های نادرست، سوره‌های قرآن، عم‌جزء و کتاب‌هایی را که برای کودکان جنبه آموزشی یا اندرزی داشت می‌آموختند. کتاب‌های آموزشی در مکتب‌خانه‌ها شامل مباحث زیر بودند:

نصاب الصبیان، قابوس‌نامه، جامع عباسی، ابوجنان، ترسل، گلستان، بوستان و دیوان حافظ از سال‌های دور از کتاب‌های درسی به شمار می‌آمدند. خواندن و درک این کتاب‌ها برای کودکان

بسیار دشوار بود. زین‌العابدین مراغه‌ای در سیاحتنامه‌ی ابراهیم بیگ، به نامناسب بودن این کتاب‌ها برای کودکان اشاره کرده است. (محمدی، قایینی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۴۲)

عباس یمینی شریف نیز که در دوران کودکی، آموزش در مکتب‌خانه را تجربه کرده بود، درباره‌ی مواد آموزشی آن می‌نویسد: به خاطر دارم که در حدود هفت سال داشتم و به مکتب می‌رفتم. در آن مکتب سه کتاب را با هم می‌خواندم: قابو سنامه، گلستان، نصاب صبیان. حال بینیم که این کتب از لحاظ فهم، معنی کلمات و مربوط بودن موضوعات آن با فکر و عالم کودک هفت ساله تناسب نداشت. (یمینی شریف، ۱۳۳۶، ۳۵)

نخستین کتاب‌های کودک و نوجوان

ادبیات مکتب‌خانه‌ای، متن‌های گوناگونی را شامل می‌شود. متن‌های ساده و کوتاه عامیانه چون سنگول و منگول، قصه‌های بلند عامیانه همچون حسین کرد شبستری و نوش‌آفرین‌نامه و بهرام و گلندام، روایت‌های مذهبی همچون عاق والدین و حسنین و کتاب‌های دشوارخوان و دشوار فهمی چون شارسرستان چهارچمن، تاریخ معجم و تاریخ نادری، همه بخشی از ادبیات مکتب‌خانه‌ای به شمار می‌آیند.

در برخی از مکتب‌خانه‌ها، مکتب‌دار از گنجینه‌ی قصه‌های مردمی، داستانی را برمی‌گزید و برای کودکان بازمی‌گفت. شماری از قصه‌های عامیانه پس از پیدایش چاپ سنگی در ایران به شکل کتاب منتشر شده‌اند که تا اندازه‌ای با سن و سال و پسند کودکان نزدیکی داشته‌اند. گاه بر روی جلد، پشت جلد و یا پایان کتاب‌ها عبارت "برای اطفال" چاپ شده‌است. این کتاب‌ها در اندازه‌ای کوچک، با ورق کم، کاغذ نامرغوب و تصویرهای ساده منتشر می‌شدند و در بیشتر مکتب‌خانه‌ها در دسترس کودکان بودند. در صفحه‌های پایانی کتاب گنجینه‌ی معتمد ۱۲۴۴ ش. اثر "میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله" متخلص به نشاط، فهرستی از کتاب‌های آن روز را ارائه می‌کند همچون: حسین کرد، نوش‌آفرین‌نامه، خاورنامه، موش و گربه، دزد و قاضی و... که تحت عنوان "کتاب‌های بچه‌خوانی" معرفی شده‌اند. (محمدی، قایینی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۴۵)

محمد جعفر محبوب درباره "کتاب‌های بچه‌خوانی" می‌نویسد: داستان‌هایی است که اصلاً برای مطالعه‌ی کودکان چاپ شده‌است و ما امروز آن‌ها را "کتاب کودک" می‌خوانیم. او این کتاب‌ها را قصه‌های نوشتاری کوتاهی می‌داند که نوآموزان در مکتب‌خانه‌ها برای یادگیری خواندن و نوشتن به زبان فارسی، می‌خواندند. از این‌گونه داستان‌ها می‌توان از قصه‌های موش و گربه، عاق والدین، سنگ تراش، جام و قلیان، خضر و الیاس و... را نام برد. (محبوب، ۱۳۴۱،

۷۹) گرچه در متن این کتاب‌ها واژه‌های دشوار نیز به چشم می‌خورد، ولی دارای متنی کوتاه، آسان فهم و منظوم هستند. (بلوکباشی، ۱۳۶۹، ۴۸)

سندی دیگری از حضور گسترده‌ی قصه‌های مردمی در مکتب‌خانه‌ها خبر می‌دهد. افلاطون ابن اسکندر کرمانی، در پیشگفتار کتاب خود "اقبال ناصری"، در نقد کتاب‌های آموزشی مکتب‌خانه‌ها می‌نویسد: رسم مکتب‌داران مکتب‌های ایران این بود و هست که به نوآموزان، الفبا و خط "نسخ" را یاد می‌دادند. سپس قرآن می‌خوانند و کتاب‌های افسانه‌ای و عشقی مانند کتاب شیرویه و حیدربیک و حسین کرد و... (کرمانی، ۱۳۰۲ق، ۱۶)

جمالزاده نیز به خواندن این گونه کتاب‌ها در مکتب‌خانه اشاره می‌کند: ... به محض اینکه صف نماز ظهر - که خود پسر ملا علی اصغر، پیش نماز آن بود - می شکست، کتاب جودی باز می‌شد و خود آخوند نیز با شاگردان فارسی خوان خود هم صدا شده، آوازا اوج می‌گرفت. محمود کتیرایی هم در فهرست کتاب‌های مکتب‌خانه‌ها، به شماری از این قصه‌ها اشاره کرده است: در ضمن خواندن قرآن یا پس از آن، خواندن یک کتاب فارسی را نیز به بچه می‌آموختند - مانند کتاب جودی و خاله سوسکه و عاق والدین، پس از این دوره اگر کسی می‌خواست «عالم» و «ملا» شود، به آموختن جامع‌المقدمات، نصاب ابوز صر و امثله و صرف میر و منطق و معانی بیان و... می‌پرداخت. (کتیرایی، ۱۳۴۸، ۸۴)

کودکان مکتب‌خانه‌ای به خواندن قصه‌های عامیانه و یا متنی‌هایی که با روح کودکان آن‌ها سازگار بود، شوق و میل بیشتری نشان می‌دادند. برای نمونه، یحیی دولت‌آبادی درباره‌ی کتابی که در کودکی دوست داشت می‌نویسد: از فارسی چیزی را که به شوق می‌خواندم، کتاب "موش و گربه" بود که شعرهای آن را حفظ می‌کردم آن کتاب تقریباً تنها چیزی بود که با سن و تحصیل من مناسب داشت. (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲، ۱۸۰)

با نگرش تجددگرایانه، ادبیات مکتب‌خانه‌ای که از مایه‌های نیرومند ادبی برخوردار بود، جنبش و پویایی خود را از دست داد و نتوانست هماهنگ با ویژگی‌های روزگار نو در بستر تاریخ ادبیات کودکان ایران دگرگون شود. از دوره‌ی مشروطیت، تأثیر و نفوذ آن رو به کاستی نهاد و ادبیات برگرفته و الگوبرداری شده از غرب گسترش یافت. کم‌کم سامانه‌ی آموزش و پرورش مکتب‌خانه‌ای شکست خورد و دیدگاه‌های نو ادبی و آموزشی غالب شدند.

دگرگونی در نثر و زبان ادبیات کودک و نوجوان

دگرگونی در نثر و زبان ادبیات کودکان بر دو پایه‌ی آثار داستانی و غیر داستانی استوار است. در گستره‌ی آثار داستانی، نخست نثر داستانی کودکان با ترجمه‌ی حکایت‌های برگرفته از ادبیات رسمی فارسی و یا افسانه‌های ترجمه شده لافونتن و ازوپ، دگرگون شد.

یکی از نویسندگانی که با هوشمندی به ساده کردن زبان شاخ و برگ‌دار و پیچیده آثار گذشتگان پرداخت. "شیخ محمد علی طهرانی" بود. او "کلیله و دمنه" و "مرزبان‌نامه" را بازنویسی کرد و به نام‌های "اخلاق اساسی مهذب کلیله و دمنه" و "اخلاق اساسی مهذب مرزبان‌نامه" منتشر ساخت. اگر چه او در این کتاب‌ها سعی بر ساده‌نویسی دارد، اما نثر او سراسر از قالب‌های کهن نثر فارسی جدا نشده است. نویسندگان دیگر در شکستن قالب‌های سنتی موفق‌تر بوده‌اند از قبیل "تأدیبات اطفال" مفتاح‌الملک "احمد" طالبوف، "چرا باین جهت"، ترجمه‌ی میرزا کاظم خان و ذکاء‌الملک و "نامه خسروان" جلال‌الدین میرزا. (محمدی، قایینی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۲۳۱-۲۳۲)

در مجموع در این آثار، زاویه‌ی نگاه نویسندگان هر چه بیشتر به سوی مخاطب برمی‌گشت و پیوند خواننده با متن اهمیت می‌یافت. چنانکه مفتاح‌الملک در پیشگفتار "تأدیبات اطفال" می‌نویسد: ... چون مقصود از این کتاب فضیلت‌فروشی و اظهار فصاحت نبود مخصوصاً در سهولت عبارات آن و عدم رعایت سجع و قافیه و بکار نبردن عبارات عربی و اشعار نیز تعمد کرد تا به فهم اطفال نزدیک باشد... (مفتاح‌الملک، ۱۲۹۳ق، ۵)

با انتشار کتاب‌های درسی جدید به ویژه الفبا آموزها و فارسی آموزها برای نوآموزان، گونه‌ای متن کوتاه آموزشی با زبانی ساده و در قالب داستانی پدید آمد که در شکل‌گیری ادبیات کودکان تأثیرگذار بود. برای نمونه در کتاب الفبا آموز "تعلیم‌الاطفال" متنی وجود دارد به نام سؤال و جواب، که از جنبه‌ی ساختاری پدیده‌ای نو به شمار می‌آید. مرتضی ممتازالملک در کتاب "تربیت" با درهم‌آمیختن شگردهای داستانی و آموزشی و به کارگیری بیانی ساده، شیوه‌ای نو آفریده است. قطعه گل سرخ کوچک، نمایانگر سبک نویسندگی اوست.

پیامدهای دگرگونی در ساختار زبان و نزدیک شدن آن به گنجایش‌های شناختی کودکان و نوجوانان را می‌توان چنین برشمرد:

- نزدیک شدن زبان ادبی به زبان مردم با پرهیز از به کار بردن واژه‌های عربی ناآشنا.
- دگرگونی در ساختار دستوری و ادبی جمله مثل بردن فعل از بخش نخست جمله به بخش آخر و شکستن واژگان، و نیز به کار بردن آرایه‌های زبانی توده‌ی مردم همچون کنایه‌ها و متلک‌ها.

- ساده شدن زبان و تغییر زبان پر پیرایه به زبان خبری و روشن
- به کارگیری درونمایه‌های اجتماعی در کنار درونمایه‌های اخلاقی.
- یگانگی موضوعی در متن به جای پراکنده‌گویی‌های سبک مقامه نویسی.
- چند صدایی شدن متن با استفاده از زبان شخصیت‌های پرشمار به ویژه کودکان.
- بازتاب زبان متن اصلی در زبان ترجمه، این پدیده به ساده‌تر شدن نشر فارسی بسیار یاری رساند.

- به کارگیری شگردهای روزنامه‌نگاری برای ایجاد هیجان در متن و پدیدآوردن انگیزه در مخاطب، پیوند میان مطبوعات و کتاب و کارگر افتادن سبک روزنامه‌نگاری در داستان‌نویسی.
- فردیت یافتن یا شناسنامه‌دار شدن متن که به پیدایش سبک فردی در ادبیات کودکان انجامید. (محمدی، قایینی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۲۳۶-۲۳۷)

نخستین نشریات کودک و نوجوان در ایران

در زمان فتحعلی شاه قاجار به کو شش ولیعهد او، عباس میرزا، چند نفر برای آموختن فن چاپ به انگلستان و روسیه فرستاده شدند. آن‌ها پس از آموختن این فن، برای نخستین بار دستگاه‌های چاپ حروف سربی و سپس چاپ سنگی را به ایران آوردند. در ایران، نخستین چاپخانه حروف سربی در سال ۱۱۹۹ ش. وارد «بو شهر» شد اما آشکار نیست آن را به کجا بردند، زیرا تاکنون اثری از این چاپخانه دیده نشده است. (میرزای گلپایگانی، ۱۳۷۸، ۱۰) از میان ۳۰ کتابی که از آغاز بینادگذاری چاپخانه سربی تا سال ۱۳۳۲ ش. در تبریز و اصفهان و تهران به چاپ رسید، تنها کتاب «مختارنامه» یا «روضه‌المجاهدین» به شکل «مصور»، در سال ۱۲۲۴ ش. در تهران منتشر شد. صفحه‌آرایی کتاب‌های درسی آموزشگاه‌های نو با صفحه‌آرایی دیگر کتاب‌های این دوره همسان نیست. در بیشتر کتاب‌های این دوره به جای سرلوحه، تصویری از یک کلاس درس آمده است. مطالب کتاب‌ها به درس‌های گوناگون بخش می‌شوند و هر درس کم و بیش یک تصویر دارد. سبک تصویری این کتاب‌ها که بیشتر آن‌ها پس از کتاب‌های کودکان آن دوره منتشر شده‌اند، به پیروی از تصویرهای کتاب‌های آموزشی اروپایی، واقع‌گراست.

تصویرها در کتاب‌های درسی، بیشتر جنبه آموزشی دارند و گاه مانند کتاب الف و بای مصور، نویسنده پند و اندرز خود را در زیرنویس تصویرها بیان کرده است. در برخی کتاب‌ها مانند بدایه‌الادب عبدالعظیم قریب، متن، همواره خواننده را به تماشای تصویر برمی‌انگیزد. به نظر می‌رسد در این کتاب، نویسنده تصویرهایی را برگزیده است و برای آن‌ها متن نوشته است.

تصویرها گرده برداری از کتاب‌های اروپایی هستند. شخصیت‌ها پوشاک ایرانی بر تن دارند. در کتاب‌های درسی، برای هر حکایت برگزیده از ادبیات رسمی فارسی و یا متن‌های نو، تصویری از شخصیت‌های متن و فضای پیرامون آن‌ها آمده است.

در بیشتر کتاب‌های درسی که متن‌های جدیدی را برای اندرز به دانش‌آموزان دارند، شخصیت‌های کودک و نوجوان لباس قاجاری پوشیده‌اند. برای نشان دادن برتری مدرسه‌های نو در سنجش با مکتب‌خانه‌ها، فضای کلاس‌ها هم سان باآموز شگاه‌های اروپایی تصویر شده‌اند. (محمدی، قایینی، ۱۳۸۳، ج ۴، ۷۱۸)

پیدایش نشریه‌های کودکان و نوجوانان در ایران، به دوران مشروطه باز می‌گردد. در دو دهه نخست ۱۳۰۰، فشارهای سیاسی و اجتماعی، چنان مطبوعات کشور را در برگرفته بودند که آن چند نشریه‌ی ویژه‌ی نوجوانان نیز از کار باز ایستادند.

گنجاندن بخشی مخصوص کودکان در نشریه‌های بزرگسالان به شکلی پایدار به سال‌های پس از ۱۳۱۹ باز می‌گردد. در روزنامه‌ی اطلاعات از سال ۱۳۱۴ ستونی به نام حکایت روزانه باز شد که در هر شماره‌ی آن افسانه‌ای از ملل گوناگون به چاپ می‌رسید.

همچنین در این دوره برخی نشریات به جهت سرگرم کردن مردم چاپ می‌شد که معمولاً در آن‌ها مطالبی شامل داستان و رمان برای کودکان و نوجوانان وجود داشت برخی از این نشریه‌ها عبارت‌اند از:

مجله‌الادب به سرپرستی "محمد وفادار" و همکاری دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان مدرسه‌ی آمریکایی، از سال ۱۲۹۶ش. به شکل دو ماه یک‌بار آغاز به انتشار کرد. هدف گردانندگان این نشریه آشنا کردن نسل جوان با ادبیات غرب و علاقه‌مند ساختن نوجوانان و جوانان به فعالیت‌های ادبی بود. از نخستین شماره‌ی نشریه، بررسی تاریخ ادبیات ایران با عنوان تاریخ مختصر ادبیات عجم به قلم میرزا تقی‌خان آغاز شد و تا چندین شماره ادامه یافت. داستان‌های بلند، ترجمه شده از ادبیات فرانسه یا انگلیس که به شکل پاورقی در شماره‌های پیاپی این نشریه آمده‌اند، نوجوانان را با گونه‌ای نو از ادبیات آشنا ساختند.

ستون ثابتی از مجله‌الادب به نام تکالیف کلاسی، در هر شماره داستانی از دانش‌آموزان را به چاپ می‌رساند. نویسندگان جوان با به کارگیری موضوع‌ها و طرح‌های داستانی نو، گام‌هایی را در داستان‌نویسی نوجوانان برداشته‌اند که در گسترش مفهوم و انگاره‌ی داستان‌نویسی در ایران آن روزگار تأثیر گذاشته است. نکته‌ی جالب در این داستان‌ها، دوری از سنت‌های نقلی و گرایش به زبان ساده و بی‌آرایه است که می‌تواند نتیجه‌ی فراگیر شدن آموزش زبان نو در

آموزشگاه‌ها باشد. همچنین در این نشریه از برخی شاعران جوان همچون علی‌اصغر شیرازی و م. کاشانی در شماره‌های گوناگون، آثاری دیده می‌شود.

ادب

ماهنامه‌ی ادب در سال‌های ۱۲۹۸-۱۳۰۰ ش. به سردبیری "یحیی دانش" و "امیرخیزی"، منتشر می‌شد. این نشریه وابسته به هیئت محصلین مدرسه‌ی متوسطه طباطبایی تبریز بود و مخاطبان آن نوجوانان بودند. در شماره‌های گوناگون این نشریه، به‌جز موضوع‌های علمی و بهداشتی و یا سلسله مقاله‌هایی با عنوان تربیت اطفال که در چندین شماره‌ی پیاپی به بهداشت و بیماری‌های کودکان و تغذیه‌ی آنان پرداخت مطالب ادبی نیز در قالب شعر، داستان و قطعه‌ی ادبی به چشم می‌خورد. در هر شماره، یکی از مشاهیر ادبی همچون ویکتور هوگو، شکسپیر، شیلر و فردوسی شناسانده شده‌اند. منبع اصلی بیشتر مطالب ادبی به ویژه داستان‌ها، نشریات و کتاب‌های فرانسوی بودند.

علم و تربیت

ماهنامه‌ی "علم و تربیت" ویژه‌ی نوجوانان به مدیریت "میرزا حسین خان پرتو" از محرم سال ۱۳۳۹ ق. / ۱۲۹۹ ش. در "شیراز" منتشر می‌شد. هدف آن، گسترش دانش و پرورش کودکان و نوجوانان بود.

هر شماره‌ی مجله دارای دو بخش جداگانه پسران و دختران بود و برای هر گروه مطالب ویژه‌ای داشت. به‌جز چند نمونه شعر در برخی شماره‌ها، مطلب ادبی دیگری در آن به چشم نمی‌خورد.

مطالب ادبی این نشریه، بسیار کم‌رنگ و بی‌مایه‌اند. افزون بر چند شعر و رباعی در برخی شماره‌ها، دو مطلب با مضمون علمی در دو شماره‌ی این مجله آمده است که می‌توان آن‌ها را نمونه‌هایی از ادبیات غیر داستانی در مجله‌های کودکان و نوجوانان دانست. در اولین شماره‌ی این مجله، مطلبی علمی درباره‌ی سرگذشت زندگی انسان در دوران کهن آمده است که در بخش‌هایی، زبان داستانی و توصیف‌های ادبی دارد.

علم و اخلاق

ماهنامه‌ی "علم و اخلاق"، آخرین نشریه‌ی این دوره برای نوجوانان به ویژه دانش‌آموزان است که از سال ۱۲۹۹ ش. با امتیاز "حبیب‌الله آموزگار" و مدیریت "سید محمد حجت"، منتشر می‌شد. در این نشریه که وابسته به "جمعیت علم و اخلاق" بود، افزون بر مقاله‌های اخلاقی،

علمی و اجتماعی، مطالب ادبی نیز به چاپ می‌رسید. مطالب ادبی در این نشریه بسیار اندک بود و تنها به چند شعر کوتاه بسنده می‌شود.

راهنمای زندگی

به مدیریت حسینقلی مستعان و سردبیری ماه‌طلعت پسیان که از سال ۱۳۱۹ به صورت هفتگی منتشر می‌شد و دو صفحه ویژه‌ی کودکان داشت.

اطلاعات هفتگی

از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ هر هفته یک صفحه برای کودکان داشت. تهرانشهر، سپید و سیاه، پست هفتگی، تهران مصور هر کدام از این نشریات، کم و بیش یک صفحه را به کودکان اختصاص داده بودند و شامل مطالبی از قبیل داستان‌های مصور، بازی و کاردستی، داستان و افسانه، جدول و چیستان و داستان‌های ترجمه شده بودند.

نشریات ویژه کودکان

نونهلان

این نشریه یکی از نخستین نشریه‌های کودکان بود که سفارت انگلیس ابتدا هفتگی و سپس به شکل دو هفتگی توسط عبدالله فریار منتشر کرد.

شنگول خردسالان

نخستین شماره‌ی این نشریه در سال ۱۳۲۲ با مدیریت "جواد میراحمدیان" انتشار یافت.

بازی کودکان، مجله‌ی کودک

در سال ۱۳۲۳ "بازی کودکان" به سرپرستی ابراهیم بنی احمد و عباس یمینی شریف و "مجله‌ی کودک" با مدیریت عباسعلی روحانی نجف آبادی منتشر شد این دو نشریه دستاورد رشد دیدگاه‌های آموزشی و روان‌شناسی کودک، ساده شدن زبان و پیدایش ادبیات ویژه برای کودکان بود.

بهار کودکان

در بهار ۱۳۲۴ "جبار باغچه‌بان" این نشریه را که پیوست "نشریه‌ی زبان" بود منتشر کرد.

دانش آموز و زندگی هفتگی مخصوص دانش‌آموزان

در سال ۱۳۲۷ دو نشریه دیگر به نام "دانش‌آموز" و "زندگی هفتگی مخصوص دانش‌آموزان" به جمع نشریات کودک پیوستند هر دو نشریه بخش کوچکی را به ادبیات اختصاص داده بودند.

کیهان بچه‌ها

در همین دوره کیهان بچه‌ها با مدیریت جعفر بدیعی و عباس یمینی شریف پایه‌گذاری شد.

نتیجه‌گیری

با شکل‌گیری دیدگاه‌های نو آموزش و پرورش، نگارش کتاب‌هایی که به نیازهای این سامانه پاسخ گویند، به ضرورتی تاریخی درآمد. نواندیشان، برخی از کتاب‌های مکتب‌خانه‌ای را به سبب دشواری و برخی را به دلیل ناسازگاری با فرهنگ جامعه‌ی جدید شهری، در خور کودکان نمی‌دانستند. آن‌ها به‌ویژه با افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه‌ای که به زبان مردم کوچه و بازار بازگو می‌شد، مخالفت می‌کردند و این آثار را مایه‌ی فساد و تباهی می‌خواندند. پیش از ورود صنعت چاپ به ایران، کتاب‌های فارسی در کشورهایمانند هندوستان، عثمانی، مصر و برخی شهرهای اروپا منتشر می‌شدند. در هند، به‌ویژه در بمبئی چند چاپخانه‌ی چاپ سنگی تنها کتاب‌های فارسی را به چاپ می‌رساندند که تا پایان فراگیری چاپ سنگی در ایران، به کار خود ادامه دادند.

مشروطیت را باید انقلابی برای به دست آوردن حق شهروندی از گونه‌ی اروپایی آن دانست. پیش از این، مردم ایران از هرگونه حقی به‌جز حق شرعی و الهی بی‌بهره بودند. در این دوره جامعه‌ی شهری گسترش یافت و زمینه‌ی دگرگونی‌های گسترده‌تر در زندگی و فرهنگ کودک ایرانی فراهم شد. از سوی دیگر با بالا رفتن نسبی سطح زندگی قشر متوسط جامعه، تغذیه‌ی کودکان بهبود یافت. مبارزه بیماری‌های واگیردار آغاز شد. با افزایش بهداشت، مرگ و میر کودکان کاهش یافت.

رسانه‌های جدید همچون روزنامه و مجله پدید آمدند و هنرهای نو همچون سینما و تئاتر سربرآوردند. آموزش و پرورش سنتی ایران جای خود را به آموزش و پرورش نو داد که از فرهنگ غرب الگو گرفته بود. بنیادگذاری درالفنون، نخستین آموزشگاه عالی در ایران، و پایه‌گذاری مدارس نو، زمینه‌های دگرگونی بنیادی در آموزش و پرورش را فراهم ساخت. اندیشمندان برجسته‌ای چون ملکم خان، آخوندزاده، زین‌العابدین مراغه‌ای، طالبوف، میرزا یحیی دولت‌آبادی، مفتاح‌الملک، میرزا تقی کاشانی و دیگران در مقاله‌ها و کتاب‌های خود با نقد روش‌های سنتی مکتب‌خانه‌ای، روش‌هایی برای بنیادگذاری آموزش و پرورش نو ارائه کردند.

منابع

- ۱- آراین پور، یحیی (۱۳۷۲) از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی)، ج ۱ و ۲، تهران: زوار.
- ۲- آژند، یعقوب، (۱۳۶۳) ادبیات نوین ایران (از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی)، تهران: امیر کبیر.
- ۳- ابن مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۰۹ق) مثنوی الاطفال (منتخب مفتاح الملک)، طهران، بی نا.
- ۴- بلایی، کریستف (۱۳۷۷) پیدایش رمان فارسی، مترجمان: مهوش قویمی، نسرين خطاط، تهران: معین.
- ۵- بلایی، کریستف، کویی پرس، میشل (۱۳۶۶) سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، ترجمه: احمد کریمی حکاک، تهران: پاپیروس.
- ۶- بلوکباشی، علی (۱۳۶۹) در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگرنگریستن، کلک، شماره ۷، مهر.
- ۷- بهنام، جمشید (۱۳۷۵) ایرانیان و اندیشهٔ تجدد، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- ۸- پاکباز، رویین (۱۳۷۹) نقاشی ایران از دیروز تا امروز، تهران: نارستان.
- ۹- دودی اصفهانی، اسمعیل (۱۳۰۴ق) بوستان ادب (برای افادهٔ مبتدیان)، دکن، نور.
- ۱۰- دولت آبادی، یحیی (۱۳۳۱ق) کتاب علی، بی جا، بی نا.
- ۱۱- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲) حیات یحیی، تهران: فردوسی.
- ۱۲- رحیمیان، هرمز (۱۳۸۵) آشنایی با ادبیات معاصر ایران، ویرایش: توفیق سبحانی، تهران: پیام نور.
- ۱۳- صدیق، عیسی (۱۳۳۳) نظریات ابن سینا در باب تعلیم و تربیت و مقایسهٔ اجمالی با نظریات افلاطون و ارسطو، مجله‌ی دانشکدهٔ ادبیات، شماره ۱، سال اول، مهر.
- ۱۴- طاهر احمدی، محمود (۱۳۷۷) ادبیات کودکان و نوجوانان (از افسانه اطفال تا تعلیمات ابتدایی)، فصلنامه: بهار، شمارهٔ ۱۹، بهار.
- ۱۵- طاهر احمدی، محمود (۱۳۷۸) سیر تحول تحصیلی از مشروطه تا پایان سلطنت رضاشاه، نشریهٔ گنجینهٔ اسناد، سال نهم، دفتر ۳ و ۴، شماره‌ی ۳۵ و ۳۶، پاییز و زمستان.
- ۱۶- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷) مدارس جدید در دورهٔ قاجاریه (بانیان و پیشروان)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۷- قاسمی، فرید (۱۳۷۲) راهنمای مطبوعات ایران (۱۳۰۴-۱۲۱۵)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۸- قاسمی، فرید (۱۳۷۹) گلزار ادبی (اثری کودکانه از نسیم شمال)، فصلنامه‌ی پژوهش نامه‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان، سال پنجم، شماره ۱۹، بهار.

-
- ۱۹- قاسمی، فرید (۱۳۷۸) تاریخ روزنامه‌نگاری ایران (مجموعه مقالات)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۰- کتیرایی، محمود (۱۳۴۸) از خشت تا خشت، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۱- محمدی، محمد، (۱۳۸۱) فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی (ویرایش دوم)، تهران: توس.
- ۲۲- محمدی، محمد، (۱۳۷۸) چهارمحور سازنده متن ادبی کودکان (پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهار ۱۲.
- ۲۳- محمدی، محمدهادی، قایینی، زهره (۱۳۷۹) تاریخ ادبیات کودکان ایران (دوره ۷ جلدی)، تهران: چیستا.
- ۲۴- محمدی، محمدهادی (۱۳۷۸) روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان، تهران: سروش.
- ۲۵- میرزای گلپایگانی، حسین (۱۳۷۸) تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران (۱۰۵۰ ق تا ۱۳۲۰ ش)، تهران: گلشن.
- ۲۶- غوکاسیان، هراند (۱۳۵۲) نخستین کودکان ایران در جلفای اصفهان، مجله‌ی هور، سال سوم، شماره ۳۱، دی ماه.
- ۲۷- محجوب، محمدجعفر (۱۳۴۱) مطالعه در داستان‌های عامیانه فارسی، مجله‌ی دانشکده ادبیات، سال دهم، شماره اول، مهرماه.
- ۲۸- یمینی شریف، عباس (۱۳۳۶) چند خاطره از کودکی، مجله‌ی سپیده‌ی فردا، دوره ۲، سال پنجم، شماره ۱۱-۱۲، آبان ماه.